

## بررسی ادله استحباب جهر به بسمله در مطلق صلوات

جلسه ۳۱-۷۴۴

شنبه - ۱۴۰۱/۰۸/۰۷

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث راجع به جهر به بسم الله در نماز ظهر و عصر بود که نقل شد شیخ صدوق قائل به وجوب جهر است و این را با رجوع به کتاب امالی صدوق صفحه ۶۴۲ ممکن هست اثبات کنیم چون در آنجا دارد يجب الجهر بسم الله الرحمن الرحيم في الصلاة عند افتتاح الفاتحة و عند افتتاح السورة بعدها، بعد دارد و يستحب رفع اليدين في كل تكبيرة في الصلاة، ظاهرش این است که این يجب با آن يستحب در مقابل هم هستند و قید هم نزد که يجب الجهر بسم الله الرحمن الرحيم في الصلاة الجهرية. عرض کردیم ممکن است مستند این قول مثل روایت اعمش باشد که الاجهار بسم الله الرحمن الرحيم في الصلاة واجب.

آقای خوئی و آقای سیستانی فرمودند واجب شاید واجب لغوی باشد ای ثابت نه واجب اصطلاحی. آقای خوئی در موسوعه جلد ۱۰ صفحه ۳ خلاف این را گفته، آنجا در بحث غسل جمعه روایت می گوید غسل الجمعة واجب، آقای خوئی فرموده این ظاهرش این است که واجب اصطلاحی است نه واجب لغوی، روایات را که نقل می کند بعد می گوید الی غیر ذلك من الاخبار الدالة على الوجوب إما تصريحاً بالوجوب أو إطلاقاً. اتفاقاً یک روایتی هم هست و لو سندش ضعیف است علی بن ابی حمزه بطائنی بناء بر نظر مشهور ضعیف است و راوی این روایت هست، می گوید غسل العیدین أوجب هو؟ قال هو سنة، غسل عید فطر و عید اضحی واجب است؟ امام فرمود سنت است، و لذا این واجب اگر به معنای ثابت بود امام چرا عدول کرد به هو سنة؟ این ظاهرش واجب در مقابل مستحب بود، امام عدول کرد فرمود هو سنة.

ما عمده دلیل مان بر این که الاجهار بسم الله الرحمن الرحيم واجب و حمل بر مستحب بشود این بود که گفتیم لو کان لبان، اگر بناء بود جهر به بسم الله در نماز ظهر و عصر واجب باشد با کثرت ابتلاء به آن مخفی نمی ماند بر فقهاء شیعه بر عوام شیعه.

یک روایتی هم هست ممکن است کسی به آن استدلال کند بر عدم وجوب، صحیحه حلبی هست، عن یقرأ بسم الله الرحمن الرحيم حين يريد يقرأ فاتحة الكتاب قال نعم ان شاء سرا و ان شاء جهرا. ولی این روایت را ما باید حمل بر تقيه بکنیم به قرینه ذیلش: قال أفیقرأها مع السورة الاخری بسم الله را با سوره بعد الحمد بخواند؟ فقال لا، نخواند، بسم الله نگوید بعد از سوره حمد، این حمل بر تقيه می شود.

بعد از این که ما گفتیم الاجهار بسم الله الرحمن الرحيم واجب ای مستحب، واجب واجب لغوی است به قرینه ارتکاز متشرعه، بحث می شود که این شامل نماز ظهر و عصر می شود یا نه؟ آقای بروجردی در تقریرات نهاییه التقرير جلد ۲ صفحه ۲۰۶ نقل شده که فرمودند: نه، اطلاق این روایت نسبت به نماز ظهر و عصر ثابت نیست. چرا؟ برای این که اختلاف شدیدی بود در بین عامه راجع به جهر به بسم الله در نمازهای جهریه، خلاف هم نقل می کند از عامه که عامه در نمازهای جهریه مثل ابوحنیفه، سفیان ثوری، اوزاعی، ابوعبیده، احمد بن حنبل، می گفتند بسم الله الرحمن الرحيم را آهسته بگویند در همه نمازها. مالک که می گفت اصلاً بسم الله الرحمن الرحيم نگویند. شافعی در نمازهای جهریه می گفت باید بسم الله الرحمن الرحيم را جهرًا بگویند، در نمازهای اخفاتی باید اخفاتا بگویند، تابع سوره حمد در نماز است، اگر سوره حمد را اخفاتا باید بخوانید بسم الله را هم اخفاتا بگویند، اگر جهرًا باید بخوانید بسم الله را هم جهرًا بخوانید. این اختلاف مانع می شود که ما اطمینان پیدا کنیم این روایت اطلاق داشته باشد نسبت به استحباب جهر به بسم الله در نماز ظهر و عصر. این موجب انصراف می شود به خصوص نمازهای جهریه، الاجهار بسم الله الرحمن الرحيم واجب بالنسبة الى الصلوات الجهریه، چون آنی که ائمه رویش ترکیز کرده بودند و بر خلاف عامه می خواستند سخن بگویند اجهار به بسم الله بود در نمازهای جهریه.

آقای سیستانی فرمودند: این اشکال قابل مناقشه است، غیر شافعی بقیه فقهاء عامه که فرق نمی گذاشتند بین نمازهای جهریه و اخفاتی، در همه این ها می گفتند بسم الله را اخفاتا بگویند. حالا که عمده فقهاء عامه فرق نمی گذارند بین صلوات جهریه و اخفاتی می گویند همه این ها بسم الله اش اخفاتی است این روایت می گوید بسم الله جهری است، عجب! فتوای اغلب عامه مختص به صلوات جهریه نیست که می گفتند بسم الله اخفاتی باشد، این روایت که می گوید بسم الله جهری باشد منصرف باشد به نمازهای جهریه؟! چه وجهی دارد؟ بله اگر واجب به معنای واجب اصطلاحی باشد جای این بحث هست که بگویم ارتکاز متشرعه اباء داشت از وجوب جهر به بسم الله در نمازهای اخفاتی، اما واجب اگر به معنای اعم از واجب و مستحب باشد چرا انصراف داشته باشد از نمازهای اخفاتی مثل نماز ظهر و عصر.

این اشکال به آقای بروجردی وارد است. ولی ما گفتیم چون ظاهر واجب این است که واجب است نه مستحب، و ارتکاز متشرعه می گوید در نماز ظهر و عصر واجب نیست این مجمل می کند این روایت را، چون یک احتمال این است که بگویم واجب همان واجب است اما در نمازهای جهریه، یک احتمال این است که واجب اعم باشد از وجوب و استحباب در مطلق نمازها، ترجیح ندارد که ما بگویم واجب اعم از واجب و مستحب باشد در کل نمازها، شاید واجب همان واجب مصطلح باشد ای لامستحب، و با توجه به این که در نمازهای اخفاتی جهر به بسم الله طبق ارتکاز متشرعه واجب نیست بگویم پس منصرف می شود به نمازهای جهریه، این اشکال آقای بروجردی را با این توضیحی که

قرائت ..... ۳

ما دیدیم که واجب را ظاهر بدانیم در معنای مصطلح که ای لامستحب، قابل تأیید هست و مناسب بود آقای بروجردی این را هم ضمیمه کنند، چون ضمیمه نکردند طبعاً اشکال آقای سیستانی به ایشان مطرح شده.

[سؤال: ... جواب:] مالک که در زمان امام باقر بوده... شافعی تفصیل می داد یعنی هیچ کس قائل به استحباب جهر در نمازهای اخفاتی نبود، شافعی که می گفت واجب است اخفات، مالک و غیر او هم می گفتند واجب است اخفات در آن و در نمازهای دیگر... واجب است جهر و ظاهر واجب هم قبول کنیم ای لامستحب، ارتکاز متشرعی شیعه هم لاقلاً محتمل است بر این بوده که در نماز ظهر و عصر جهر به بسم الله واجب نیست، لو کان لبان این جا می آید، احتمالش هم که قطعاً داده می شود که ارتکاز متشرعه بر عدم وجوب بوده، عرف متحیر می شود که واجب به معنای واجب لامستحب باشد، منتها در خصوص نمازهای جهریه، یا واجب اعم باشد ای ثابت بنحو الاعم من الوجوب الاصطلاحی و الاستحباب که همه نمازها را بگیرد، مرجح ندارد احتمال دوم... برای همین عرض کردم که آقای بروجردی اگر تکمیل می کرد... ما دوست داریم عرائض خودمان در سایه فرمایشات بزرگان باشد نه در تقابل با این بزرگان. شما می فرمایید این مطلب دیگری است، ما می گوئیم فرمایش آقای بروجردی را اگر تکمیل می کردیم با و ان شئت قلت درست می شد.

رسیدیم به روایت پنجم، چهار روایت را خواندیم، آقای خوئی به آن صحیح صنفان تمسک کرد گفت صلیت خلف ابی عبدالله علیه السلام ایما و کان یجهر بیسم الله الرحمن الرحیم فی الصلوات التی لایجهر بها، و قطعاً امام صادق همیشه امام جماعت نبوده، گاهی هم منفرد بوده. که ما در این مناقشه کردیم.

آقای بروجردی که تمسک کرد به روایت محض الاسلام الاجهار بیسم الله الرحمن الرحیم فی جمیع الصلوات سنة. که ما پذیرفتیم و سندش را هم سعی کردیم تصحیح کنیم.

روایت پنجم روایت رجاء بن ابی الضحاک است، همانی که از مدینه همراه با امام علیه السلام تا مرو آمد، مامور مامون بود که حضرت را یاری کند و در راه چیزهایی که دیده نقل می کند، می گوید در بین راه کان یجهر الرضا علیه السلام بیسم الله الرحمن الرحیم فی جمیع صلواته باللیل و النهار. سند که ضعیف است، این رجاء مامور مامون بوده، کی می گوید ثقه است. ولی به لحاظ دلالت جواز را می فهماند فی الجملة، استحباب را هم بعید نیست از اصرار امام رضا علیه السلام به این کار بفهمیم، منتها عرض کردیم معلوم نیست به عنوان اولی باشد شاید به عنوان ثانوی ان الرشد فی خلافهم، حالا که اینها متفق هستند بر این که اخفات بکنید در بسم الله در نماز ظهر و عصر، و لو اخفات و جهر به حکم اولی فرقی نکند، ما انتخاب می کنیم جهر را، شعار شیعه بشود، کما این که در روایت هم داریم علائم مؤمن این است. ولی مشکل ما این است که حتی جواز جهر را نسبت به نماز منفرد نمی توانیم اثبات کنیم چون

۴ ..... مسائل

یقین داریم که امام رضا در این زمان‌هایی که می‌آمدند نماز منفرد خواندند؟ شاید امام رضا شوخی نیست بالاخره یک ماموم پیدا می‌کند.

[سؤال: ... جواب:] نافله که مخیر است بین جهر و اخفات، او که مشکل ندارد، بحث نماز ظهر و عصر است، نماز ظهر و عصرش کی می‌گوید امام گاهی منفردا نماز می‌خواند؟ شاید خود همین رجاء بن ابی‌ضحاک اقتداء می‌کرد به او. خیلی مهم بود برای زمان ائمه نماز جماعت برگزار کردن، مثل حالا نیست، حالا علماء هم گاهی می‌بینید نماز فرادی می‌خوانند، خدا رحمت کند امام را در نجف، یکی از آقایان علماء به ایشان پیشنهاد کردند که یک نمازی بخوانید ایشان گفتند من در قم هم بودم نماز نمی‌خواندم، همه خندیده بودند، مقصود این بود که امام جماعت نبودم، پس اطلاق این روایت برای منفرد هم مشکل است.

روایت ششم روایت سیاری است. این سیاری همانی است که متهم به غلو است، کتابی دارد التنزیل و التحریف، اثبات تحریف قرآن می‌کند می‌گوید از صفوان جمال نقل می‌کند صلت خلف ابی‌عبدالله علیه السلام ما لا احصى فاذا كانت صلاة كذا مما لا يجهر فيها جهر بيسم الله الرحمن الرحيم ثم اخفى ما بقى. این هم شبیه آن روایت صفوانی است که قبلاً خواندیم چیز تازه‌ای نیست. مستدرک جلد ۴ صفحه ۱۸۶.

روایت هفتم باز سیاری نقل می‌کند به اعتماد مستدرک عرض می‌کنم از ابن ابی‌عمیر از ابن اذینه از زرارہ که قال فی بسم الله الرحمن الرحيم هی احق ما جهر به، یعنی سزاوارترین آیه‌ای است که جهر خوانده بشود، اطلاق هم دارد.

[سؤال: ... جواب:] احق ما جهر به اطلاق دارد و لو نماز ظهر و عصر. ... نگفت واجب است، گفت احق. در بحار هم جلد ۸۲ صفحه ۵۱ نقل می‌کند این روایت را از کتاب علل محمد بن علی بن ابراهیم. ... دیگر از این به بعد روایات ضعیفه است خیلی سخت نگیر اطلاق دارد، سندش گیر دارد. روایت هشتم روایت کنزالفوائد مرفوعاً از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند اذا كان يوم القيامة تقبل قوم على نجائب من نور ينادون باعلى اصواتهم الحمد لله الذى صدقنا وعده و اورثنا ارضه نتبوا من الجنة حيث نشاء، این‌ها کی هستند؟ فتقول الخلائق الهنا و سيدنا بما نالوا هذه الدرجة که شدند صفوة من عبادى، ندا می‌آید بتختمهم فى اليمين و جهرهم فى الصلاة بيسم الله الرحمن الرحيم. شیخ طبرسی در اعلام الوری این را نقل می‌کند.

آقای خوئی فرمودند این نشان می‌دهد که جهر به بسم‌الله از خواص شیعه است ولی آنی که از خواص شیعه است جهر به بسم‌الله در صلوات جهریه علامت مؤمن آن است دیگر، و الا این مؤمنینی که بسم‌الله را در نماز ظهر و عصر اخفاتاً می‌گویند این‌ها مؤمن نیستند؟

آقای سیستانی فرموده آنی که از خصوصیات شیعه است این است که در همه نمازها جهر می‌کنند به بسم‌الله و الا شافعی هم در نمازهای واجب جهر بسم‌الله می‌گفت بگویند در نمازهای اخفاتیه می‌گفت

قرائت ..... ۵

اخفاتا بگویند، جهر به بسم الله در نمازهای جهریه بین شافعی ها هم رواج دارد، این از علائم شیعه بودن نیست.

بد فرمایشی نیست.

[سؤال: ... جواب:] شافعی ها عمده نیستند؟ شافعی ها زمان اهل بیت، بعد از امام صادق یکی از فقهاء بزرگ عامه بود. البته منشأ کلام شافعی هم قبلاً بوده دیگر، شافعی که از پیش خودش نگفت، منشأ فتوایش قبل از خودش هم بود. ... ظاهرش این است که تک تک این ها علامت است. و الا می گفت فاذا النداء من الله بتختمهم باليمين و مشيهم في الشارع، بگوئیم مشی فی الشارع چه خصوصیت دارد؟ می گوید مجموع این ها علامت است. ظاهرش این است که تک تک علامت است. دنیا این ها علامت شان بود، روز قیامت امتیاز به آن ها داد. ... عامه تختم به یسار دارند. ندیدید؟ انگشتر دست می کنند دست چپ. ... بالجمله همین جور هستند. مگر آن عامه آفریقایی که خیلی شیعه و سنی برایش مطرح نیست، ایران می آید شیعه می شوند عربستان می روند سنی می شوند، این هایی که عامه هستند و مناسک دارند و پاییند به مناسک شان هستند ما که دیدیم تختم شان به یسار است، روایت نهم روایت شیخ شرف الدین نجفی است شاگرد کرکی در تأویل الآيات الباهرة، حالا از کتابی نقل می کند، سند ضعیف است، که خلاصه این جا جابر جعفی از امام صادق علیه السلام سؤالی کرد بعد حضرت فرمود يعرف شيعته يعني شيعه على عليه السلام شناخته می شوند بصلاة احدى و خمسين و الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم و القنوت قبل الركوع و التختم باليمين. روایت دهم هم باز یک روایت ضعیف السند است که در کتاب الهداية نقل می کند، در آن جا دارد که شیعه مختص هستند به ده خصلت، انی خصصتک و علیا و حججی منه الی يوم القيامة و شيعتکم بعشر خصال تا این که فرمود و الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم.

در دعائم الاسلام هم دارد روينا عن رسول الله و عن علی الحسن و الحسين و علی بن الحسين و محمد بن علی و جعفر بن محمد صلوات الله عليهم اجمعين انهم كانوا يجهرون بيسم الله الرحمن الرحيم فيما يجهر بالقراءة من الصلوات في اول فاتحة الكتاب و اول السورة في كل ركعة و يخافتون بها فيما يخافت فيه من السورتين جميعا فقال حسين بن علی عليهما السلام اجتمعنا ولد فاطمة علی ذلك و قال جعفر بن محمد عليهما السلام التقية دينی و دين آبائي و لاتقة في ثلاث شرب المسكر و المسح علی الخفين و ترك الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم، در بحار گفتند این روایت حمل بر تقیه می شود، روایات را می خوانیم بعد نتیجه گیری می کنیم. در این روایت طبعاً حرف این را می زند انهم كانوا يجهرون بيسم الله الرحمن الرحيم فيما يجهر بالقراءة و يخافتون بها فيما يخافت فيه من السورتين جميعا، این مخالف با روایات قبلی است.

[سؤال: ... جواب:] در بحار روایت نقل می کند که امام صادق فرمود لاتقية في ثلاث شرب المسكر و المسح علی الخفين و ترك الجهر بيسم الله الرحمن الرحيم. ما در این ها تقیه نمی کنیم. یعنی هر

چی هست مطابق با حکم واقعی است. جهر در صلوات جهریه می‌کنیم، طبق این روایت، اخفات می‌کنیم در صلوات اخفاتیه. این روایت سندش ضعیف است.

روایت آخر را هم بخوانم ابوالفتوح رازی در تفسیرش می‌گوید اجتماع آل محمد علیهم السلام علی الجهر بسم‌الله الرحمن الرحیم، این بر عکس دارد، می‌گوید اجتماع کردند بر جهر به بسم‌الله الرحمن الرحیم. منتها این نقل می‌کند از امام صادق علیه السلام که باز این خلاف روایت دعائم الاسلام است.

آقای سیستانی بعد از نقل این روایات فرمودند روایت دعائم الاسلام که هیچ، اعتباری ندارد، ما از مجموع روایاتی که خواندیم استفاده کردیم که جهر در همه نمازها شعار شیعه است، این همه روایت خواندیم، بالاخره همه‌اش که دروغ نیست، از مجموع روایات فهمیدیم که جهر به بسم‌الله در همه نمازها شعار شیعه است و الا جهر در نمازهای جهریه که شعار شیعه تنها نیست، شعار شافعی‌ها هم هست. آقای سیستانی یعنی مجبور شدند آخرش مجموع من حیث المجموع را دلیل قرار بدهند که ما وثوق پیدا می‌کنیم. و الا نه مثل آقای خوئی به صحیحین صفوان اعتماد کرد نه مثل آقای بروجردی به روایت محض الاسلام اعتماد کرد، مجموع من حیث المجموع را موجب وثوق قرار داد.

ما عمده دلیل‌مان همان روایت محض الاسلام است چون این روایاتی که ضعیف السند بود بعضی هایش ضعیف الدلالة هم بود مثل روایت رجاء که می‌گفت امام رضا علیه السلام نماز جهریه می‌خواند، این دلیل بر این نمی‌شود که منفرد هم باشی می‌توانی بسم‌الله را جهر بگویی، امام رضا جهر بسم‌الله می‌گفت در همه نمازهایش، خب شاید امام جماعت بود. استحبابش هم خیلی روشن نیست شاید به عنوان ثانوی می‌خواست مخالفت با عامه بکند. ما عمده دلیل‌مان روایت محض الاسلام است، اگر سندش را قبول می‌کنید ما مشکلی نداریم با شما، اگر قبول نمی‌کنید واقعا دلیل بر استحباب جهر به بسم‌الله در نمازهای اخفاتیه مثل ظهر و عصر برای منفرد ما پیدا نکردیم، ولی جوازش مشکل ندارد.

[سؤال: ... جواب:] شعار ما شده که از مجموع این روایات استفاده کردیم و الا به قول آقای خوئی

می‌تواند هم شعار شیعه باشد هم شعار شافعی‌ها. یا می‌شود جواز تخییر بین جهر و اخفات شعار شیعه بشود، اما استحباب جهر به بسم‌الله در نماز ظهر و عصر شعار شیعه است فقط، ما از کجا این را اثبات کنیم؟ ... دلالتش را قبول کردم، سندش مشکل داشت. ... مجموع روایات مستفیض بود. ... حالا چند تا روایت مگر خواندیم؟

[سؤال: ... جواب:] باشد می‌خوانیم برای‌تان. می‌خواهید بعد بحث زیارة الاربعین را مطرح کنید؟ ... در کتاب المزار شیخ مفید هست و در تهذیب هم هست. حالا این که علامات من علامات المؤمن و روی عن العسکری علیه السلام انه قال علامات المؤمن خمس صلاة الخمسین و زیارة الاربعین و التختم بالیمین و تعفیر الجبین و الجهر بسم‌الله الرحمن الرحیم. این علامات مؤمن جهر به بسم‌الله الرحمن الرحیم هست، این هم باید سندش بررسی بشود، این که ... حالا بعضی از آقایان سعی

کردند تصحیح کنند سندش را که حالا ما وارد آن بحث نمی‌شویم. اما اشکال آقای خوئی، آقای بروجردی هم داشت که علامات مؤمن الجهر بسم‌الله الرحمن الرحیم یعنی فقط علامات مختصه شیعه که حتی شافعی‌ها هم در این علامت شریک نیستند یا علامت غالبه است چون غالباً حنفی بودند یا مالکی بودند، شافعی اصلاً بعد از امام صادق علیه السلام به دنیا آمده و آن هم فقهِش در مصر رونق گرفت، شاید در آن محیط که ائمه بودند علامات مؤمن با علامات غیر مؤمن این جور شناخته می‌شد که غیر مؤمنین یا حنفی بودند یا مالکی بودند آن‌ها جهر به بسم‌الله نمی‌کردند اصلاً، اما اگر کسی جهر به بسم‌الله بکند یک نوع علامت عرفیه است که این شیعه است، حتماً ما باید بگردیم در غیر شیعه این علامت نباشد؟ یا این علامت عادیّه است، این اشکال قابل توجه است. ولی حالا ما اگر فرمایش آقای سیستانی را بپذیریم که نه، این ظاهرش این است که علامت دائمه و خاصه که شافعی‌ها هم شریک نباشند با مؤمنین در این علامت، اگر این را بگوییم می‌شود به این روایات استدلال کرد، به قول آقا دیگر در سند این علامات المؤمن خدشه کردن درست نیست، از مجموع روایات می‌شود وثوق پیدا کرد، ولی این فنی نیست، حالا آقای خوئی هم اشکال دلالی کرد هم اشکال سندی، چکارش کنیم؟ می‌توانید به آقای خوئی اعتراض کنید؟ می‌گوید سندش را قبول ندارم دلالتش را هم قبول ندارم.

ما عرض‌مان این است می‌گوییم اصل جوازش را درست کنیم، استحبابش را به قصد رجاء می‌آوریم، یا از باب اخبار من بلغ، اصل جوازش ثابت بشود که اگر هیچ‌کدام از این روایات تمام نبود بگوییم ما مقتضای قاعده را جواز جهر به بسم‌الله در نماز ظهر و عصر می‌دانیم این را اگر بتوانیم ثابت کنیم مشکل بزرگی را حل کردیم، هیچ‌کدام از این روایات تمام نباشد، رجاء ما جهر می‌کنیم به بسم‌الله مشکلی نداریم. حتی برای منفرد، و الا امام جماعت که روشن بود دلیلش.

می‌گوییم ضیق فم الرکبة، اصلاً دلیل بر وجوب اخفات در نماز ظهر و عصر اطلاق مگر داشت نسبت به بسم‌الله الرحمن الرحیم تا بعد ما نیاز داشته باشیم به مقید؟ اصلاً اطلاقی نداریم. ببینید! مثلاً شبهه اطلاق در چی بود؟ یک روایت محمد بن عمران بود که داشت پیغمبر نماز عصر که خواند امر شد به اخفات در قرائت، این یکی این است، یکی هم و امره ان یخفی القراءة لانه لم یکن وراءه احد، یکی هم روایت علل الشرائع فضل بن شاذان است که دارد الصلاتان اللتان لایجهر فیهما فانما هو صلاة تكون بالنهار، این‌ها اولاً ظهور ندارد که در مقام بیان است، خدا نماز عصر را به پیغمبرش فرمود اخفاتاً قرائت را بخوان، این در مقام بیان این است که حتی بسم‌الله را هم اخفاتاً بگو؟ یا این است که مثل نماز ظهر نباشد؟ نماز ظهر روز جمعه. مثل نماز ظهر روز جمعه نباشد، نماز عصر روز جمعه است، اولاً: در مقام بیان بودن نسبت به حتی بسم‌الله ما شبهه داریم.

[سؤال: ... جواب:] در مقام بیان تفصیل نبود.

ثانیا: همان احتمال ارتکاز متشرعه بر جواز جهر به بسم‌الله در نماز ظهر و عصر بلکه احتمال ارتکاز استحباب آن به عنوان این که علامت مؤمن است، همین کافی است که این روایات ظهور در اطلاق

۸ ..... مسائل

نسبت به وجوب اخفات در بسم الله قرائت سوره حمد و سوره دیگر بعد از حمد در نماز ظهر و عصر نداشته باشد، آن روایت صحیحه زراره هم که می گوید جهر فیما ینبغی الاخفات فیه اما مصداق که تعیین نکرده کجا اخفات کجا جهر. و لذا مقتضای اصل برائت این است که بسم الله می شود جهر گفت در نماز ظهر و عصر، بعد می آییم به رجاء عمل به مستحب ملترم هم می شویم به عمل به مستحب رجاء یا از باب اخبار من بلغ جهر می کنیم به بسم الله در نماز ظهر و عصر حتی در نماز فردی. این راجع به این مسأله. ان شاء الله بقیه مطالب فردا.

و الحمد لله رب العالمین.